

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگرفته از: مقاومت مردمی*

نویسنده: آجامو باراکا (برنامه سیاسی سیاهپوستان)، ۱۲ نومبر، ۲۰۲۲

برگردان: سایت «۱۰ مهر»

۰۲ دسمبر ۲۰۲۲

انتخابات میان دوره‌ی امریکا

بدون هیچ کشایشی برای طبقه کارگر سیاهپوست و مردم استعمارزده



حزب دموکرات یک پوسته ورشکسته اخلاقی است که سالها دروغ و فساد آن را از درون خالی کرده است. بسیاری نمی‌خواهند این واقعیت تلخ را بپذیرند. اما ما (سیاهان و مردمان استعمارزده) باید به‌طور عینی بپذیریم که با این انتخابات و یا هر انتخابات دیگر بورژوازی، هیچ چیز تغییر اساسی نخواهد کرد. ما می‌توانیم و باید در این فضاها به رقابت بپردازیم، اما بخوبی آگاهیم که تا زمانی که قدرت توسط دیکتاتوری استعماری/سرمایه‌داری امریکائی – اروپائی حفظ شود، سیاهپوستان همچنان رنج خواهند برد و کل بشریت با تهدیدی وجودی مواجه خواهد بود.

پنجاه سال عملی کردن طرح‌های نئولیبرال نشان می‌دهد که چرا گزینه‌های سیاسی موجود در این کشور کمترین تغییر را به نفع توده‌های مردم عرضه نمی‌کند. انتخابات میان‌دوره‌ی اخیر موجب بهبودی در زندگی طبقه کارگر سیاهپوست امریکا نخواهد شد.

برنامه نئولیبرالیسم با یادداشت لوئیس پاول در سال ۱۹۷۱ آغاز شد. این یادداشت به درخواست اتاق بازرگانی ایالات متحده، یعنی احتمالاً مؤثرترین ساختار حاکمیت سرمایه‌داری در آن زمان، نوشته شده بود. اتاق در پی سازمان دادن ضد حمله‌ای منسجم‌تر علیه حملات علیه نظام در دهه ۱۹۶۰ بود. بی‌تردید کانون این حملات علیه حاکمیت در جنبش آزادی سیاهان و جنبش ضد جنگ قرار داشت.

سخن پاول این بود که طبقه سرمایه‌دار باید تشخیص دهد که بقایش در خطر است و لذا سرمایه‌داران باید درک کنند که منافع آنها به‌عنوان یک طبقه، باید از دید منافع کسب و کار فردی آنها فراتر رود.

پیام پاول در این یادداشت «حرفه‌ئی» و فاقد لفاظی بسیار، دعوت به یک جنگ طبقاتی هدفمندتر و ستراتیژیک‌تر بود: «آن زمانی که مدیر اجرایی یک شرکت بزرگ می‌توانست با حفظ رشد قابل قبول سود، از زیر بار مسئولیت‌های عمومی و اجتماعی شرکت شانه خالی کند، سپری شده است. نظام ما در صورتی می‌تواند به بقای خود ادامه دهد که مدیریت ارشد به همان اندازه نگران حفاظت و ابقای خود نظام باشد.»

و این آغازی بود برای چرخش به‌سوی نئولیبرالیسم دست راستی. سیاستی ضدانقلابی در کل جامعه که اعمال آن همچنین نیاز به یک ستراتیژی ضد شورش داخلی با مؤلفه‌های نظامی و از آن مهم‌تر، یک مؤلفه ایدئولوژیک - فرهنگی داشت. در داخل کشور، هدف اصلی این ستراتیژی ضد شورش، سرکوب نیروهای انقلابی ناسیونالیست و سوسیالیست در جنبش آزادی‌بخش سیاهان و تشکل‌های «کمونیستی جدید» بود.

در سطح بین‌المللی چرخش به نئولیبرالیسم، به‌معنای تشدید بی‌رحمانه استخراج ارزش حاصله از استعمار سرمایه‌داری (امپریالیستی) کشورهای سوی جنوب بود. این غارت با همدستی دولت‌های نئواستعماری ضعیف، فاسد و سرکوبگر مورد حمایت سیاسی و نظامی ایالات متحده، انجام می‌گیرد.

ضدانقلاب نئولیبرال موجب تضادهای آشتی‌ناپذیری شد که امروز با آنها روبه‌رو هستیم. شکاف بین کشورهای ثروتمند و فقیر و میان کارگران و سرمایه‌داران هرگز تا این حد عمیق و بینواسازی تا این میزان ظالمانه نبوده است.

برای طبقه کارگر سیاهپوست، این چرخش به‌سوی نئولیبرالیسم یک فاجعه بود. برون‌سپاری بنیاد صنعتی ایالات متحده همراه مشاغل با درآمد نسبتاً بالای آن، همزمان شد با سازماندهی مجدد اقتصاد به یک اقتصاد خدماتی. با موج خصوصی‌سازی، اشتغال در بخش دولتی و خدمات اجتماعی که جایگاه اکثر کارگران سیاهپوست بود، ویران شد. بی‌ثباتی ساختاری ایجادشده با دو پیشامد در دهه ۲۰۰۰، ده‌ها هزار نفر را به ناامیدی کشاند. طوفان کاترینا و فروپاشی اقتصادی سال ۲۰۰۸ موجب شد سیاهپوستان بیشترین میزان کاهش ثروت خود را از زمان پایان دوره بازسازی بین سال‌های ۱۸۷۷ و ۱۸۹۶، تجربه کنند.

این ویرانی، با جنایت علیه بشریت پاندمی کووید ۲۰۲۰ تکمیل شد. در دوران پاندمی به‌معنای واقعی کلمه ده‌ها هزار سیاهپوست عمدتاً فقیر، کاملاً غیرضروری جان خود را از دست دادند، زیرا دولت نتوانست از حقوق اساسی انسانی آنها در مورد سلامت و امنیت اجتماعی محافظت کند.

بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸، تنها چند سال بعد از [طوفان] کاترینا که شکنندگی زندگی سیاهپوستان را در ساحل جنوبی کشور آشکار کرد، میلیون‌ها کارگر افریقایی را در گردابی از ناامیدی و افسردگی فرو برد. سیاهان در شرایطی برای بقای خود تقلا می‌کردند که کارشان بیش از نیاز و زائد شده و وجود آنها به‌عنوان یک مشکل اجتماعی تلقی می‌شد. کشتار دسته‌جمعی بیماری همهگیر کووید، پایان دو دهه اول قرن را رقم زد که قرار بود نمونه‌ای از عظمت «امریکائی» باشد. حال در پرده آخر این تراژیدی است که رأی‌دهندگانی دلسرد و سردرگم، سیاستمدار ازکارافتاده‌ای به‌نام جو بایدن را سرکار آوردند.

انتخابات میان‌دوره‌ئی: فاشیسمی را که سال‌ها افریقائی‌ها تجربه می‌کردند، تنها امروز در انتخابات مطرح می‌شود. نئولیبرالیسم پروژه‌ای برای اصلاح سرمایه‌داری از سوی جناح راست بود. در چشم‌اندازی که این پروژه در انتخابات میان‌دوره‌ای برای کارگران سیاهپوست عرضه می‌کند، خبری از طرح نیازهای عینی مادی، خواست تعیین سرنوشت، توسعه مستقل، و صلح نیست.

برای پنهان کردن واقعیت دیکتاتوری سرمایه، تضاد میان دو حزب به عنوان تضاد اصلی در جامعه مطرح می‌شود. مهاجرت‌ترین عوامل نئولیبرال اکنون در درون و از طریق حزب دموکرات فعالیت می‌کنند. در نتیجه، ویژگی ناگفته رقابت بین دو حزب در انتخاباتی که بعد از سال ۲۰۱۶ شکل گرفته، رقابتی است میان عناصر افراطی دست راستی که امروزه توسط نیروهای طرفدار ترمپ نمایندگی می‌شوند و دست راستی‌های نئولیبرال که توسط دموکرات‌های وابسته به شرکت‌های فراملی و سرمایه‌داری مالی رهبری می‌شوند.

مردم در مقابل انتخابی غیردموکراتیک قرار گرفته‌اند. از یکسو جمهوری‌خواهان قرار دارند در نمایندگی مهاجران اروپایی سفیدپوست، یعنی خرده‌بورژوازی ناسیونالیست ناراضی که معتقدند ساکنان اصلی این سرزمین هستند. عناصر سرمایه‌داری شرکت‌های بزرگ حاکم بر آن حزب عمدتاً تمایلات ناسیونالیستی داشته و سودشان وابسته به اقتصاد داخلی است. هر چند که برخی از این عناصر برای بازارهای جهانی تولید می‌کنند، اما آنها در روند «تمرکز» طبیعی اقتصاد در سرمایه‌داری انحصاری، دائماً در تعارض دائمی با سرمایه بزرگ قرار دارند.

دموکرات‌ها از نظر تاریخی حتی در دوران طرفداری از جدائی میان سیاه و سفید در نظام تبعیض نژادی جنوب، متحد کارگران و مردم زحمتکش بودند. اما امروز آنها مبدل به حزبی شده‌اند زیر سلطه سرمایه انحصاری مستقر در ایالات متحده. برای کارگران، این شکل از دموکراسی بورژوائی فاقد فضا یا ساختاری است که منافع کارگران، استثمارشدگان و فقراء را منعکس نماید. طبقه کارگر و فقیر کم کم به این درک می‌رسند.

به همین دلیل است که مطابق شواهد اولیه کارگران سیاه‌پوست در رقابت‌هایی که حضور رأی‌دهندگان غیرسفید برای پیروزی دموکرات‌ها ضروری بود، به تعداد کثیر شرکت نکردند. دموکرات‌ها هیچ سیاست، امید و یا چشم‌اندازی را نوید نمی‌دهند.

برخی از «ترقی‌خواهان» جعلی و بزدل این حزب معتقدند هر چند که نامزدهای دموکرات در سطح ملی پیام اقتصادی مهمی ندادند، اما واضح است که بحران اقتصادی مهم‌ترین دغدغه آنها است.

اما واقعاً پیام اقتصادی آنها چیست؟ دموکرات‌ها مدت‌ها پیش پایگاه خود را رها کرده و بشدت به دنبال یافتن راه‌هایی برای کاهش نفوذ وفادارترین پایگاه خود یعنی سیاه‌پوستان و جلب نظر سفیدپوستان گریزان طبقه متوسط، و عمدتاً زنان ساکن حومه‌های ثروتمند، هستند.

این انتخابات میان‌دوره‌ای تأییدی بود مجدد بر تشدید و ادامه جنگ طبقاتی که پاول در دهه ۱۹۷۰ از آن به عنوان یک هدف اصلی ستراتیژیک طبقه حاکم دفاع می‌کرد. آن هم حتی در شرایطی که طبقه حاکم در بحران است و نمی‌تواند به همان شیوه سابق حکومت کند. این بدان معناست که مردم باید خود را از تمام توهمات و عقاید احساساتی پیرامون منافع ملی مشترک رها سازند. میان آنها و این بورژوازی بی‌پروا که روزبه‌روز غیرمنطقی‌تر می‌شود، هیچ‌گونه منافع مشترکی وجود ندارد.

نباید طعمه تبلیغات فریبده‌ای شد که توجه ما را از ورشکستگی نظام سرمایه‌داری منحرف می‌کند. ۶ جنوری و ترمپ، پوتین خبیث، چینی‌های حسابگر، اغراق در افزایش میزان جنایت و مشکل مهاجرت، همه برای انحراف ما از فهم این واقعیت است که زندگی ما خالی است، زمانی برای دوستان و خانواده نداریم، کار بی‌روح و خردکننده، مشخصه وجود ما شده است. تازه اگر کاری داشته باشیم. ترس و اضطرابی که از این موقعیت ناپایدار ناشی می‌شود، روحیه ما را تضعیف کرده و سردرگمی و خشم ما را درونی می‌کند.

وضوح ایدئولوژیک یک آگاهی از بند رسته، ما را به این نتیجه می‌رساند که این نظام است که دشمن است. نه همسایه ما، یا باغبان بی‌شناسنامه یا فروشنده غذا، نه مردم نیکار آگونه، هائیتی، ونزویلا و کوبا که فقط می‌خواهند به روش خود و در صلح زندگی کنند.

حزب دموکرات یک پوسته ورشکسته اخلاقی است که سال‌ها دروغ و فساد آن را از درون خالی کرده است. بسیاری نمی‌خواهند این واقعیت تلخ را بپذیرند. اما ما (سیاهان و مردمان استعمارزده) باید به‌طور عینی بپذیریم که با این انتخابات و یا هر انتخابات دیگر بورژوازی، هیچ چیز تغییر اساسی نخواهد کرد. ما می‌توانیم و باید در این فضاها به رقابت بپردازیم، اما بخوبی آگاهیم که تا زمانی که قدرت توسط دیکتاتوری استعماری/سرمایه‌داری امریکائی - اروپائی حفظ شود، سیاهپوستان همچنان رنج خواهند برد و کل بشریت با تهدیدی وجودی مواجه خواهد بود.

* <https://popularresistance.org/for-african-black-working-class-and-colonized-peoples-midterm-elections-in-the-u-s-offer-no-relief-from-war-repression-and-capitalist-misery/>